

تمایزات شناختی در باور به دنیای عادلانه در زنان و مردان

زهرا جوادیان *

محسن گل پرور *

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تمایزات شناختی در باور به دنیای عادلانه در میان زنان و مردان به مرحله‌ی اجرا درآمد. از بین کلیه‌ی ساکنان زن و مرد ۱۷ سال به بالا در شهر اصفهان، تعداد ۱۵۷۷ نفر به شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند. پرسش‌نامه‌های استفاده شده در پژوهش دو پرسش‌نامه‌ی هشت سؤالی درباره‌ی باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران بود. داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌ها با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای و آزمون t گروه‌های مستقل تحلیل شد. نتایج حاکی از آن بود که زنان و مردان در باور به دنیای عادلانه برای خود با یکدیگر تفاوت معناداری ($P > 0/05$) ندارند، ولی در باور به دنیای عادلانه برای دیگران بین زنان و مردان تفاوت معناداری ($P < 0/05$) به دست آمد. مهم‌ترین یافته‌ی این پژوهش آن بود که زنان در توجه به رعایت عدالت مبتنی بر انصاف و شایستگی برای دیگران و نه خودشان نسبت به مردان، متفاوت‌اند، بدین معنی که زنان نسبت به مردان به رعایت عدالت و انصاف بیشتری برای دیگران تمایل دارند.

کلید واژه

دنیای عادلانه، عدالت مبتنی بر انصاف، عدالت مبتنی بر شایستگی، جنسیت، تمایزات شناختی.

* استادیار دانشکده روانشناسی علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان، اصفهان.

* * کارشناس ارشد دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان، اصفهان.

تأیید نهایی: ۸۹/۱۰/۲۰

تاریخ دریافت: ۸۹/۷/۷

۱) مقدمه

عدالت و برابری مفاهیم شناختی و فلسفی ای هستند که در طول قرن‌ها موضوع تأملات فراوانی بوده‌اند. برای مثال، ارسطو بین برابری کمی (یکسانی در تعداد یا اندازه) و برابری نسبی (توازن و یکنواختی نرخ‌ها) تمایز قائل شده است (فیتز پاتریک^۱ ۱۳۸۱: ۵۰). این گونه نظریه پردازی‌ها در باب عدالت و برابری طی سال‌ها و تا به امروز ادامه پیدا کرده است. از منظر روان‌شناسی شناختی، دیدگاه‌های افراد در باب حضور و وجود عدالت در چارچوب شناخت‌ها، نگرش‌ها و باورهای معطوف به مردم، موقعیت‌ها، شرایط و پدیده‌های مختلف، به صورت مفروضاتی به نسبت پایدار درمی‌آیند که عملکرد و رفتار افراد را در سطح جامعه و در تعامل بین افراد با یکدیگر و با نهادهای اجتماعی هدایت می‌کنند. به باور جانوف بولمن باورهای هر انسانی درباره‌ی دیگر انسان‌ها و فراتر از آن درباره‌ی دنیایی که در آن زندگی می‌کند، مفروضات اساسی زندگی هر انسانی هستند که از طریق نظام‌های شناختی هر فرد، تعبیر و تفسیر حوادث و رخدادها را تحت تأثیر قرار می‌دهند (Bulman 1992:13) بر همین اساس برآیند مجموعه‌ای از شناخت‌های انسان در باب عدالت در نهایت منجر به شکل‌گیری باورهای کلی و عمومی در باب عادلانه یا ناعادلانه بودن شرایط دنیا می‌شود. این گونه باورها را لرنر^۲ (۱۹۸۰) به عنوان باور به دنیای عادلانه^۳ مطرح کرده است (Lerner 1980: 10).

1 - Fitz Patrick

2 - Lerner

3 - Belief in a Just World

۲) باور به دنیای عادلانه: کارکردها و ابعاد

بر اساس نظریه‌ی باور به دنیای عادلانه^۱ انسان‌ها از زندگی در دنیا با سطوح مختلفی به این باور می‌رسند که هر کسی (اعم از خود آنها یا دیگران) در دنیا چیزی را به دست می‌آورد که سزاواری و شایستگی آن را دارد. بر اساس چنین مفروضه‌ای، افراد خوب به فرجامی نیک و افراد بد به فرجامی بد می‌رسند. (Sutton & Douglas, 2005: 637; Christopher, Zabel, Jones & Marek, 2008: 437; Callan, Shead & Olson 2009: 246; McParland & Knussen 2010: 71).

باور به دنیای عادلانه کارکردهای سازشی و ارزشمندی برای افراد دارد، به گونه‌ای که اغلب انسان‌ها سعی می‌کنند تا به اشکال مختلف این باورهای خود را در برابر تغییر یا شواهد متناقض با آن حفظ کنند (گل‌پرور و اکبری ۱۳۸۸: ۱۲۰). شواهد تحقیقی نشان می‌دهد که باور به دنیای عادلانه با سلامت عمومی (مشمول بر افسردگی، جسمانی‌سازی، اضطراب و بی‌خوابی و نارسایی عملکرد اجتماعی)، رضایت از زندگی، افکار خودکار (به عنوان افکار غیرمنطقی که تبعات ناامیدکننده‌ای به همراه می‌آورند) و عاطفه‌ی مثبت و منفی رابطه دارند (گل‌پرور، کامکار و جوادی ۱۳۸۶: ۳۹؛ گل‌پرور و جوادی ۱۳۸۵: ۱۰۹).

بر اساس تحقیقات به عمل آمده، باور به دنیای عادلانه حداقل سه کارکرد دارد. اول، چنین باورهایی به مثابه یک قرارداد شخصی بین فرد و دنیا باعث می‌شوند تا افراد در اعمال و رفتار خود از درون نوعی الزام به رعایت عدالت و انصاف را احساس کنند. دوم، ایجاد نوعی اعتماد و اطمینان فراگیر در درون

۱ - گاهی برخی از متخصصان نیز آن را فرضیه دنیای عادلانه می‌نامند (Furnham 2003: 795).

افراد مبنی بر اینکه چنان‌که آنها با دیگران به شیوه‌ای منصفانه و عادلانه رفتار کنند، هیچ‌گاه قربانی اتفاقات و حوادث غیرمترقبه و غیرعادلانه نمی‌شوند و سوم، این باورها برای افراد نوعی چارچوب مفهومی فراهم می‌سازند تا وقایع و حوادث دنیای اطراف خود را به شیوه‌ای معنی‌دار تعبیر و تفسیر کنند (Ritter, Benson & Snyder 1990: 236; Dalbert 1998: 90; Furnham 2003: 797).

از نظر پژوهش‌گران مختلف این باورها می‌توانند ابعاد متنوعی داشته باشند. از نظر لایپکوس، دالبرت و زیگلر (۱۹۹۶) بین باور به دنیای عادلانه برای خود و باور به دنیای عادلانه برای دیگران می‌توان تمایز قائل شد، یعنی افراد یک بار می‌توانند با توجه به شرایط خود و یک بار با توجه به شرایط دنیا برای دیگران درباره‌ی عدالت داورى کنند. این تمایز شناختی از طریق تحقیقات چندی نیز حمایت شده است: (Lipkus, Dalbert & Siegler 1996: 435; Begue & Bastounis 2003: 375; Begue 2002: 666، گل‌پرور و عریضی ۱۳۸۶: ۱۹۵). علاوه بر این، قریب به سه دهه پژوهش درباره‌ی باور به دنیای عادلانه نشان می‌دهد که عوامل مختلفی از جمله تجربیات افراد، فرایند رشد شناختی و اخلاقی و شرایط تربیتی و خانوادگی می‌توانند در شکل‌گیری این باورها نقش داشته باشند (Oppenheimer 2005: 1794). متغیر بحث‌برانگیز جنسیت از جمله عواملی است که احتمال می‌رود بر تجربیات افراد تأثیر مستقیم داشته باشد.

۳) چارچوب نظری و پژوهشی تمایز در باور به دنیای عادلانه بر پایه‌ی جنسیت

شواهد تحقیقی در باب تمایزات شناختی زنان و مردان در باب باورهای معطوف به عدالت نتایج هم‌سویی نداشته‌اند. برخی از نظریه‌پردازان شناختی بر این باورند که تأثیر جنسیت بر شناخت‌های معطوف به عدالت را می‌توان بر پایه‌ی نفع شخصی^۱ (سوگیری خودمحوری^۲) تعبیر و تفسیر کرد. یکی از راه‌های دیگری که از آن طریق می‌توان متوجه شد که عاملی مانند جنسیت چگونه بر شناخت‌های معطوف به عدالت اثر می‌گذارد، توجه به تأکیدات متفاوتی است که از طرف زنان یا مردان بر مسائل مختلف مرتبط با عدالت می‌شود. در اولین مجموعه تحقیقات انجام شده، لونتال و لین (۱۹۷۰) پی بردند که مردان و زنان تعلقات شناختی و عاطفی متفاوتی نسبت به قاعده‌ی انصاف در عدالت دارند. این تحقیق حاکی است که نگرانی اصلی مردان در تخصیص امکانات، فرصت‌ها و پاداش‌ها محافظت از منافع شخصی آنهاست، در حالی که نگرانی اصلی زنان حفظ رفاه تمام اعضای گروه است (Leventhal & Lane 1970: 312).

بروکنر و آدسیت (۱۹۸۶) در باب تفاوت‌های جنسیتی بین زنان و مردان به نتایج مشابه دست یافتند. این محققان پی بردند که مردان نسبت به زنان به نتایج نابرابر و توزیع نتایجی که به نظر می‌رسد در آن بی‌عدالتی وجود دارد واکنش تندتری نشان می‌دهند (Brockner & Adsit 1986: 585). میجر و آدامز (۱۹۸۳) نیز از لحاظ تاریخی دو دیدگاه خودابرازی^۳ و جهت‌گیری شناختی^۴

1 - Self Interest

2 - Egocentric Bias

3- Self- Presentation Perspective

4 - Cognitively Oriented

را برای ارزیابی‌های متفاوت زنان و مردان در باب بود و نبود عدالت مطرح کردند. مطابق دیدگاه خودابرازی به لحاظ هنجاری، انتظارات متفاوتی از زنان و مردان در تخصیص امکانات و فرصت‌ها می‌رود. به این ترتیب که از زنان انتظار می‌رود بخشنده باشند ولی از مردان انتظار می‌رود که منصف باشند. در مقابل در دیدگاه جهت‌گیری شناختی ارزیابی‌های زنان و مردان از دستاوردها و فرصت‌ها با یکدیگر متفاوت است. به زعم این تبیین گفته می‌شود که از زنان انتظار نمی‌رود که در تمام امور به اندازه‌ی مردان (حداقل به دلیل شرایط فیزیولوژیکی و بدنی آنها) صرف انرژی و نیرو کنند. بر اساس این دیدگاه عملکردهای سطح پایین‌تر در اجتماع از لحاظ انرژی و نیرو برای زنان امری پذیرفته شده است (Major & Adams 1983: 600).

در عوض کالیک، لایند، آمبروس و مک‌کون (۱۹۹۶) این مسئله را که آیا زنان در داوری در باب عدالت حساسیت بیشتری به مسائل بین فردی نسبت به مردان (که انتظار می‌رود به نتایج مادی یا فیزیکی حساسیت داشته باشند) نشان می‌دهند یا نه را بررسی کرده‌اند. این پژوهش‌گران به این نتیجه رسیدند که زنان بیش از مردان بر نتایج تأکید دارند (Kulik, Lind, Ambrose & Maccoun 1996: 351). این تمایزات شناختی در حوزه‌ی باور به دنیای عادلانه از لحاظ تاریخی در پیشینه‌ی پژوهش حاضر ردیابی می‌شود. بنابر شواهد به دست آمده وقتی امتیازات کلی پرسش‌نامه‌های باور به دنیای عادلانه به کار گرفته می‌شود، هیچ تمایز شناختی بین زنان و مردان به دست نمی‌آید (Couch 1998: 1283). آمبروزیو و شیهان (۱۹۹۰)

و واتلی (۱۹۹۳) گزارش کرده‌اند که مردان از نظر امتیاز کل مقیاس باور به دنیای عادلانه باورهای نیرومندتری در باب عادلانه بودن شرایط دنیا نسبت به زنان دارند (Ambrosio & Sheehan 1990: 413; Whatley 1993: 547). فراتحلیل اکونور، موریسون و موریسون (۱۹۹۶) که با استفاده از ۳۳ مطالعه صورت گرفته، نشان می‌دهد که تمایز شناختی بین زنان و مردان در باور به دنیای عادلانه وجود ندارد (Oconnor, Morrison & Morrison 1996: 667). دروم و استاورز (۱۹۹۸) نیز در فراتحلیل خود به این نتیجه رسیدند که بین زنان و مردان در باور به دنیای عادلانه با یکدیگر تمایز شناختی وجود ندارد (Drum & Stowers 1998: 328). موارد یاد شده تحقیقاتی هستند که نمره‌ی کلی باور به دنیای عادلانه در همه‌ی آنها لحاظ شده است. در ایران نیز تحقیقات مشابه حاکی است که در قالبی کلی بین زنان و مردان در باور به دنیای عادلانه تمایز وجود ندارد (گل‌پرور و عریضی ۱۳۸۷: ۱۲۹). با این حال تحقیقاتی وجود دارد که نشان می‌دهد وقتی در سطح خردتر (در سطح سؤالات) به تمایزات شناختی جنسیتی نگاه می‌شود، در مواردی تفاوت دیده می‌شود (Caputi 1994: 475; Heaven & Connors 1988: 261; Hyland & Dann 1987: 73). به این لحاظ و با توجه به پیشینه‌ی یاد شده، در تحقیق حاضر تلاش شد تا علاوه بر تعیین گرایش‌های شناختی زنان و مردان در نمونه‌ای بزرگ (۱۵۷۷ نفر) در باب باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران، تمایزات شناختی بین باور به دنیای عادلانه در سطحی جزئی بین زنان و مردان بررسی شود. نگاهی به چارچوب نظریات و یافته‌های پژوهشی مربوط به تمایزات شناختی در

باور به دنیای عادلانه‌ی زنان و مردان چند نکته را مشخص می‌کند. اول اینکه، به لحاظ نظری و بنابر تأکیدات متفاوتی که از طرف زنان نسبت به مردان بر اصول عدالت می‌شود، انتظار می‌رود بین زنان و مردان در باور به دنیای عادلانه تفاوت وجود داشته باشد. دومین واقعیت به یکدست نبودن نتایج حاصل از تحقیقات بازمی‌گردد. این یکدست نبودن خود گویای ضرورت پژوهش‌های بیشتر و با دقت و تحلیل‌های جزئی‌تر است.

۴) روش

از آنجایی که هدف این پژوهش بررسی تمایزات شناختی در باور به دنیای عادلانه در میان زنان و مردان بود، از روش پیمایشی (زمینه‌یابی) و علی-مقایسه‌ای استفاده به عمل آمده است.

۵) جامعه‌ی آماری و نمونه

جامعه‌ی آماری این پژوهش را کلیه‌ی زنان و مردان ۱۷ سال به بالای ساکن در شهر اصفهان در سال ۱۳۸۷ تشکیل دادند. هیچ شرط تحصیلاتی و یا شغلی برای پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه‌های پژوهش برای جامعه‌ی آماری در نظر گرفته نشده است. ساکنان شهر اصفهان (بدون حومه) در قلمرو زمانی مذکور حدود دو میلیون نفر در نظر گرفته شده است. نمونه‌ی پژوهش حاضر ۱۵۷۷ نفر بوده است. از ابتدا ۱۶۰۰ پرسش‌نامه برای پاسخ‌گویی و نمونه‌گیری در نظر گرفته شد، ولی تعداد ۲۳ پرسش‌نامه پس از بازگشت به

دلیل مخدوش بودن کنار گذاشته شدند. از ۱۵۷۷ نفر گروه نمونه، تعداد ۷۵۰ نفر مرد و ۸۲۷ نفر زن بوده‌اند. تحصیلات، سن و شغل افراد شرکت‌کننده در پژوهش طیف متنوع و وسیعی را در بر گرفته است. روش نمونه‌گیری استفاده شده نمونه‌گیری چند مرحله‌ای بوده است. در مرحله‌ی اول شهر اصفهان به چهار منطقه غرب، شرق، جنوب و شمال تقسیم شد. سپس از هر منطقه از طریق نقشه شهری حدود ۱۵ خیابان به صورت تصادفی انتخاب شدند. در مرحله‌ی نهایی تعدادی از کوچه‌های این خیابان‌ها به صورت تصادفی انتخاب و به درب منازل برای پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه‌ها مراجعه شد. برای هر منطقه نیز در پایان ۴۰۰ پرسش‌نامه در نظر گرفته شد. پرسش‌نامه‌های پر شده در هر خیابان بین ۲۰ تا ۲۵ عدد بوده است.

۶) ابزارهای پژوهش

پرسش‌نامه‌های استفاده شده، دو پرسش‌نامه‌ی هشت سؤالی درباره‌ی باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران از لایپکوس و همکاران بود. این دو پرسش‌نامه قبلاً توسط گل‌پرور و عریضی ترجمه و اعتباریابی شده است. با این حال در مطالعات چندی استفاده‌ی مجدد شده است. مقیاس پاسخ‌گویی این دو پرسش‌نامه به صورت هفت درجه‌ای و از کاملاً مخالفم (=۱) تا کاملاً موافقم (=۷) در نوسان است. افزایش نمرات در این دو پرسش‌نامه به معنای حضور و وجود عدالت در دنیا برای خود و دیگران است. این دو مجموعه سؤالاتی متناظر با هم دارند. به این معنی که یک بار سؤال برای

خود فرد و سپس در پرسش‌نامه‌ی بعدی برای دیگران استفاده می‌شود. برای مثال، سؤال اول در پرسش‌نامه باور به دنیای عادلانه برای خود بدین صورت است: «وضعیتی که من در دنیا دارم کاملاً منصفانه است»، سؤال متناظر با این سؤال در پرسش‌نامه باور به دنیای عادلانه برای دیگران بدین شکل است: «وضعیتی که افراد دیگر در دنیا دارند کاملاً منصفانه است». پایانی این پرسش‌نامه‌ها در حد مطلوبی گزارش شده و روایی آنها در ایران به خوبی بررسی شده است (گل‌پرور و عریضی ۱۳۸۶: ۱۹۳). در این پژوهش، آلفای کرونباخ پرسش‌نامه باور به دنیای عادلانه برای دیگران و خود به ترتیب ۰/۷۶ و ۰/۸۸ به دست آمد. روایی سازه‌ی این دو پرسش‌نامه در پژوهش حاضر از طریق تحلیل عاملی اکتشافی و چرخش از نوع واریماکس دوباره بررسی شد. نتایج این تحلیل‌ها در جداول شماره‌ی ۱ و ۲ آمده است.

جدول ۱: تحلیل عاملی پرسش‌نامه‌ی باور به دنیای عادلانه برای دیگران

رتبه	شاخص‌های آماری پرسش‌نامه‌ها	اندازه KMO	آزمون بارتنف	اشاره‌کات	بار عاملی		مقدار ویژه		درصد واریانس تیین شده	
					۱	۲	۱	۲	۱	۲
۱	وضعیتی که افراد دیگر در دنیا دارند کاملاً منصفانه است			۰/۶۳۶	-	۰/۷۸۵	۳/۰۴۱	۱/۰۹۰	۳۸/۰۱۳	۱۳/۶۲۰
۲	مردم چیزی را از دنیا به دست می‌آورند که شایستگی آن را دارند.	۰/۸۳۴	**	۰/۵۰۴	۰/۶۳۹	-				
۳	مردم در زندگی با یکدیگر منصفانه رفتار می‌کنند.	۰	۰/۰۳۱	۰/۶۲۹	-	۰/۷۸۶				
۴	مردم سزاوار پادشاه‌ها و تنبیه‌هایی هستند که به دست می‌آورند.	۲۴۵۹		۰/۴۵۱	۰/۶۷۱	-				
۵	هر کسی در دنیا در خورشان خویش از دیگران احترام به دست می‌آورد.			۰/۵۲۳	۰/۷۲۳	-				
۶	مردم در دنیا چیزی را به دست می‌آورند که سزاوار داشتن آن هستند.			۰/۶۳۲	۰/۷۷۳	-				
۷	مردم به اندازه‌ی تلاشی که می‌کنند مورد توجه قرار می‌گیرند و پاداش دریافت می‌کنند.			۰/۴۸۲	۰/۶۶۸	-				
۸	افرادی که در دنیا بدشانسی می‌آورند خودشان مستوجب آن هستند.			۰/۲۷۳	۰/۵۰۷	-				

** P < 0/01

جدول ۲: تحلیل عاملی پرسش‌نامه‌ی باور به دنیای عادلانه برای خود

ش. سؤالات	شاخص‌های آماری	اندازه KMO	آزمون پارتلت	اشتراکات	بار عاملی	مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده
۱	وضعیتی که من در دنیا دارم کاملاً منصفانه است.	۰/۷۸۷	**۰/۵۳۷ ۳۳۴۰	۰/۴۱۱	۰/۶۴۱	۳/۵۵۰	۴۴/۳۸۱
۲	من چیزی را از دنیا به دست می‌آورم که شایستگی آن را دارم.			۰/۵۷۲	۰/۷۵۷		
۳	دیگران در زندگی با من منصفانه رفتار می‌کنند.			۰/۳۲۰	۰/۵۶۶		
۴	من در دنیا پاداش‌ها و تنبیه‌هایی که سزاوار آن هستم را به دست می‌آورم.			۰/۵۱۷	۰/۷۱۹		
۵	من در دنیا در خور شأن خویش از دیگران احترام به دست می‌آورم.			۰/۴۱۴	۰/۶۴۴		
۶	من در دنیا چیزی را که سزاوار داشتن آن هستم به دست می‌آورم.			۰/۵۷۷	۰/۷۵۹		
۷	من به اندازه‌ی تلاشی که می‌کنم مورد توجه قرار می‌گیرم و پاداش دریافت می‌کنم.			۰/۴۸۹	۰/۶۹۹		
۸	وقتی که در دنیا بدشانسی می‌آورم، خودم مستوجب آن هستم.			۰/۲۴۹	۰/۴۹۹		

** P < 0/01

۷) روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌های پژوهش از آزمون t تک‌نمونه‌ای و آزمون t گروه‌های مستقل استفاده به عمل آمد. آزمون t تک نمونه‌ای برای مقایسه‌ی میانگین گروه نمونه در هر یک از سؤالات دو پرسش‌نامه باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران استفاده شده است و آزمون t گروه‌های

مستقل نیز برای بررسی تمایزات شناختی در باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران در بین زنان و مردان استفاده شده است. کلیه تحلیل‌های فوق با استفاده از نرم‌افزار آماری - رایانه‌ای SPSS-16 انجام شده است.

۸ یافته‌ها

در جدول شماره‌ی ۳، شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای باور به دنیای عادلانه برای دیگران در حالتی کلی (بدون تفکیک جنسیت) ارائه شده است.

جدول ۳: شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای باور به دنیای عادلانه برای دیگران

ردیف	شرح سؤال	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه‌ی آزادی	معناداری
۱	وضعیتی که افراد دیگر در دنیا دارند کاملاً منصفانه است.	۲/۵۰	۱/۴۵۰	-۴۱/۱۷۱	۱۵۷۵	۰/۰۰۰
۲	مردم چیزی را از دنیا به دست می‌آورند که شایستگی آن را دارند.	۴/۰۷	۱/۸۴۲	۱/۵۳۲	۱۵۷۵	۰/۱۲۶
۳	مردم در زندگی با یکدیگر منصفانه رفتار می‌کنند.	۲/۵۵	۱/۳۵۶	-۴۲/۴۲۹	۱۵۷۵	۰/۰۰۰
۴	مردم سزاوار پاداش‌ها و تنبیه‌هایی هستند که به دست می‌آورند.	۴/۴۰	۱/۷۳۵	۹/۱۰۱	۱۵۷۵	۰/۰۰۰
۵	هر کسی در دنیا در خور شأن خویش از دیگران احترام به دست می‌آورد.	۵/۰۹	۱/۷۴۶	۲۴/۸۴۱	۱۵۷۵	۰/۰۰۰
۶	مردم در دنیا چیزی را به دست می‌آورند که سزاوار داشتن آن هستند.	۴/۰۸	۱/۸۲۴	۱/۸۰۹	۱۵۷۵	۰/۰۷۱
۷	مردم به اندازه‌ی تلاشی که می‌کنند مورد توجه قرار می‌گیرند و پاداش دریافت می‌کنند.	۴/۲۷	۱/۹۱۷	۵/۵۳۳	۱۵۷۵	۰/۰۰۰
۸	افرادی که در دنیا بدشانسی می‌آورند خودشان مستوجب آن هستند.	۳/۹۱	۱/۸۶۰	-۱/۸۲۹	۱۵۷۵	۰/۰۶۸
۹	کل پرسش‌نامه	۳/۸۵۹	۱/۰۵۸	-۵/۲۸۶	۱۵۷۵	۰/۰۰۰

چنان‌که در جدول شماره‌ی ۳ دیده می‌شود، سؤالات اول (وضعیتی که افراد دیگر در دنیا دارند، کاملاً منصفانه است، با میانگین ۲/۵۰)، سوم (مردم در زندگی با یکدیگر منصفانه رفتار می‌کنند، با میانگین ۲/۵۵)، چهارم (مردم سزاوار پاداش‌ها و تنبیه‌هایی هستند که به دست می‌آورند، با میانگین ۴/۴۰)، پنجم (هر کسی در دنیا در خور شأن خویش از دیگران احترام به دست می‌آورد، با میانگین ۵/۰۹)، هفتم (مردم به اندازه‌ی تلاشی که می‌کنند مورد توجه قرار می‌گیرند و پاداش دریافت می‌کنند، با میانگین ۴/۲۷) و کل پرسش‌نامه (با میانگین ۳/۸۵۹) تفاوت معناداری ($P < ۰/۰۵$) از میانگین مقیاس هفت درجه‌ای یعنی عدد ۴ داشته‌اند. در سؤالات اول و سوم میانگین پائین‌تر از ۴ بوده، لذا می‌توان گفت که در منصفانه بودن وضعیت افراد دیگر در دنیا و منصفانه رفتار کردن مردم با یکدیگر و در کل پرسش‌نامه میانگین نظرات پائین‌تر از حد متوسط بوده است. اما در سؤالات چهارم، پنجم و هفتم میانگین‌ها به صورت معناداری بالاتر از حد متوسط ($P < ۰/۰۵$) بوده‌اند. در عین حال در سؤالات دوم (مردم چیزی را در دنیا به دست می‌آورند که شایستگی آن را دارند، با میانگین ۴/۰۷)، ششم (مردم در دنیا چیزی را به دست می‌آورند که سزاوار داشتن آن هستند، با میانگین ۴/۰۸) و هشتم (افرادی که در دنیا بدشانسی می‌آورند خودشان مستوجب آن هستند، با میانگین ۳/۹۱) نگرش‌ها به دلیل عدم تفاوت معنادار از مقدار ثابت ۴ (میانگین مقیاس) در حد متوسط بوده است.

جدول ۴: شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای باور به دنیای عادلانه برای خود

ردیف	شرح سؤال	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه‌ی آزادی	معناداری
۱	وضعیتی که من در دنیا دارم کاملاً منصفانه است.	۳/۵۵	۱/۷۸۴	-۱۰/۱۰۰	۱۵۷۵	۰/۰۰۰
۲	من چیزی را از دنیا به دست می‌آورم که شایستگی آن را دارم.	۴/۵۵	۱/۷۵۷	۱۲/۳۷۰	۱۵۷۵	۰/۰۰۰
۳	دیگران در زندگی با من منصفانه رفتار می‌کنند.	۳/۴۹	۱/۶۱۸	-۱۲/۵۸۲	۱۵۷۵	۰/۰۰۰
۴	من در دنیا پاداش‌ها و تنبیه‌هایی که سزاوار آن هستم را به دست می‌آورم.	۴/۳۲	۱/۷۳۶	۷/۲۵۶	۱۵۷۵	۰/۰۰۰
۵	من در دنیا در خور شأن خویش از دیگران احترام به دست می‌آورم.	۵/۰۲	۱/۶۴۷	۲۴/۶۹۵	۱۵۷۵	۰/۰۰۰
۶	من در دنیا چیزی را که سزاوار داشتن آن هستم به دست می‌آورم.	۴/۵۲	۱/۷۶۰	۱۱/۶۵۲	۱۵۷۵	۰/۰۰۰
۷	من به اندازه‌ی تلاشی که می‌کنم مورد توجه قرار می‌گیرم و پاداش دریافت می‌کنم.	۴/۴۹	۱/۸۴۴	۱۰/۶۵۵	۱۵۷۵	۰/۰۰۰
۸	وقتی که در دنیا بدشانسی می‌آورم، خودم مستوجب آن هستم.	۳/۹۴	۱/۹۲۲	-۱۲/۲۵۸	۱۵۷۵	۰/۲۰۸
۹	کل پرسش‌نامه	۴/۲۳	۱/۱۶۴	۸/۰۱۰	۱۵۷۵	۰/۰۰۰

چنان‌که در جدول شماره‌ی ۴ دیده می‌شود، کلیه‌ی سؤالات به جز سؤال هشتم (وقتی که در دنیا بدشانسی می‌آورم، خودم مستوجب آن هستم؛ با میانگین ۳/۹۴) تفاوت معناداری ($P < ۰/۰۵$) با میانگین مقیاس هفت درجه‌ای که ۴ بوده، داشته‌اند. بدین معنی که سزاواری فرد برای بدشانسی در حد متوسط بوده، ولی وضعیتی که من در دنیا دارم، کاملاً منصفانه است، من آن چیزی را از دنیا به دست می‌آورم که شایستگی آن را دارم، دیگران در زندگی با من منصفانه رفتار می‌کنند، من در دنیا پاداش‌ها و تنبیه‌هایی که سزاوار آن هستم را به دست می‌آورم، من در دنیا در خور شأن خویش از دیگران احترام به دست می‌آورم، من در دنیا چیزی

را که سزاوار داشتن آن هستیم به دست می آورم، من به اندازه‌ی تلاشی که می‌کنم مورد توجه قرار می‌گیرم و پاداش دریافت می‌کنم و در کل پرسش‌نامه باور به دنیای عادلانه برای خود (به ترتیب با میانگین‌های ۳/۵۵، ۴/۵۵، ۳/۴۹، ۴/۳۲، ۵/۰۲، ۴/۵۲، ۴/۴۹ و ۴/۲۳)، یعنی سؤالات اول تا هفتم سطح میانگین‌ها به صورت معناداری ($P < 0/05$) از میانگین مقیاس یعنی ۴ متفاوت بوده‌اند. لذا می‌توان گفت که باور افراد گروه نمونه پژوهش در باب عادلانه بودن شرایط دنیا برای آنها در مواردی بالاتر و در مواردی کمتر از حد متوسط بوده است.

جدول ۵: شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون t مستقل زنان و مردان در باور به دنیای عادلانه برای دیگران

ردیف	شرح سؤال	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	معناداری
۱	وضعیتی که افراد دیگر در دنیا دارند کاملاً منصفانه است.	مرد	۲/۴۸	۱/۴۹۷	-۰/۳۳۵	۱۵۷۵	۰/۷۲۴
		زن	۲/۵۱	۱/۴۰۸			
۲	مردم چیزی را از دنیا به دست می‌آورند که شایستگی آن را ندارند.	مرد	۴/۱۹	۱/۹۰۸	۲/۴۸۴	۱۵۵۷/۱۸۹	۰/۰۱۳
		زن	۳/۹۶	۱/۷۷۷			
۳	مردم در زندگی با یکدیگر منصفانه رفتار می‌کنند.	مرد	۲/۵۷	۱/۳۵۰	۰/۴۱۱	۱۵۷۵	۰/۶۸۱
		زن	۲/۵۴	۱/۳۶۵			
۴	مردم سزاوار پاداش‌ها و تنبیه‌هایی هستند که به دست می‌آورند.	مرد	۴/۴۸	۱/۷۵۶	۱/۷۷۶	۱۵۷۵	۰/۰۷۶
		زن	۴/۳۳	۱/۷۱۴			
۵	هر کسی در دنیا در خور شأن خویش از دیگران احترام به دست می‌آورد.	مرد	۵/۲۲	۱/۷۲۴	۲/۸۱۳	۱۵۷۵	۰/۰۰۸
		زن	۴/۹۷	۱/۷۶۱			
۶	مردم در دنیا چیزی را به دست می‌آورند که سزاوار داشتن آن هستند.	مرد	۴/۱۸	۱/۸۲۱	۲/۱۰۱	۱۵۷۵	۰/۰۳۶
		زن	۳/۹۹	۱/۸۲۵			
۷	مردم به اندازه تلاشی که می‌کنند مورد توجه قرار می‌گیرند و پاداش دریافت می‌کنند.	مرد	۴/۲۹	۱/۹۶۹	۰/۴۲۵	۱۵۳۳/۴۶۵	۰/۶۷۱
		زن	۴/۲۵	۱/۸۶۸			
۸	افرادی که در دنیا بدشانسی می‌آورند خودشان مستوجب آن هستند.	مرد	۳/۹۸	۱/۸۴۱	۱/۲۵۳	۱۵۷۵	۰/۲۱۰
		زن	۳/۸۶	۱/۸۷۵			
۹	کل پرسش‌نامه	مرد	۳/۹۲	۱/۰۷۱	۲/۳۱۶	۱۵۷۵	۰/۰۲۱
		زن	۳/۸	۱/۰۴۵			

چنانچه در جدول شماره ۵ دیده می‌شود، زنان و مردان در سؤال دوم، یعنی مردم چیزی را از دنیا به دست می‌آورند که شایستگی آن را دارند ($P < 0/05$ و $t = 2/482$)، در سؤال پنجم، یعنی هر کسی در دنیا در خور شأن خویش از دیگران احترام به دست می‌آورد ($P < 0/01$ و $t = 2/813$)، در سؤال ششم، یعنی مردم در دنیا چیزی را به دست می‌آورند که سزاوار داشتن آن هستند ($P < 0/05$ و $t = 2/101$) و در کل پرسش‌نامه باور به دنیای عادلانه برای دیگران ($P < 0/05$ و $t = 2/316$) با یکدیگر تفاوت معناداری داشته‌اند. توجه به میانگین‌های زنان و مردان در ستون چهارم جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که زنان در حوزه‌های مردم چیزی را از دنیا به دست می‌آورند که شایستگی آن را دارند، هر کس در دنیا در خور شأن خویش از دیگران احترام به دست می‌آورد، مردم در دنیا چیزی را به دست می‌آورند که سزاوار داشتن آن هستند و در کل باور به دنیای عادلانه برای دیگران از مردان به لحاظ شناختی متمایز هستند. این تمایز از لحاظ شناختی به سمت تلقی کردن دنیا به عنوان مکانی ناعادلانه برای دیگران در زنان است.

جدول ۶: شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون t مستقل زنان و مردان در باور به دنیای عادلانه برای خود

ردیف	شرح سؤال	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه‌ی آزادی	معناداری																																																																																			
۱	وضعیتی که من در دنیا دارم کاملاً منصفانه است.	مرد	۳/۵۹	۱/۸۴۱	-۰/۸۳۶	۱۵۲۸/۹۷۶	۰/۴۰۳																																																																																			
		زن	۳/۵۲	۱/۷۳۰				۲	من چیزی را از دنیا به دست می‌آورم که شایستگی آن را دارم.	مرد	۴/۵۹	۱/۸۰۲	۱/۰۷۱	۱۵۷۵	۰/۲۸۵	زن	۴/۵۰	۱/۷۱۶	۳	دیگران در زندگی با من منصفانه رفتار می‌کنند.	مرد	۳/۴۸	۱/۶۴۰	-۰/۰۶۳	۱۵۷۵	۰/۹۴۹	زن	۳/۴۹	۱/۵۹۹	۴	من در دنیا پادشاهان و تنبیه‌هایی که سزاوار آن هستم را به دست می‌آورم.	مرد	۴/۳۷	۱/۷۴۳	۱/۱۳۰	۱۵۷۵	۰/۲۵۹	زن	۴/۲۷	۱/۷۲۸	۵	من در دنیا در خورشان خویش از دیگران احترام به دست می‌آورم.	مرد	۵/۰۵	۱/۷۰۵	-۰/۵۱۸	۱۵۲۶/۸۳۷	۰/۶۰۴	زن	۵	۱/۵۹۵	۶	من در دنیا پادشاهان و تنبیه‌هایی که سزاوار آن هستم را به دست می‌آورم.	مرد	۴/۵۳	۱/۸۱۱	-۰/۲۴۸	۱۵۳۱/۶۰۶	۰/۸۰۴	زن	۴/۵۱	۱/۷۱۱	۷	من به اندازه‌ی تلاشی که می‌کنم مورد توجه قرار می‌گیرم و پادشاه دریافت می‌کنم.	مرد	۴/۵۱	۱/۸۸۳	۰/۴۵۷	۱۵۷۵	۰/۶۴۸	زن	۴/۴	۱/۸۱۱	۸	وقتی که در دنیا بدشانسی می‌آورم خودم مستوجب آن هستم.	مرد	۴/۰۳	۱/۹۰۷	۱/۸۹۲	۱۵۷۵	۰/۰۷۳	زن	۳/۸۶	۱/۹۳۳	۹	کل پرسش‌نامه	مرد	۴/۲۷	۱/۲۰۵	۱/۱۶۱
۲	من چیزی را از دنیا به دست می‌آورم که شایستگی آن را دارم.	مرد	۴/۵۹	۱/۸۰۲	۱/۰۷۱	۱۵۷۵	۰/۲۸۵																																																																																			
		زن	۴/۵۰	۱/۷۱۶				۳	دیگران در زندگی با من منصفانه رفتار می‌کنند.	مرد	۳/۴۸	۱/۶۴۰	-۰/۰۶۳	۱۵۷۵	۰/۹۴۹	زن	۳/۴۹	۱/۵۹۹	۴	من در دنیا پادشاهان و تنبیه‌هایی که سزاوار آن هستم را به دست می‌آورم.	مرد	۴/۳۷	۱/۷۴۳	۱/۱۳۰	۱۵۷۵	۰/۲۵۹	زن	۴/۲۷	۱/۷۲۸	۵	من در دنیا در خورشان خویش از دیگران احترام به دست می‌آورم.	مرد	۵/۰۵	۱/۷۰۵	-۰/۵۱۸	۱۵۲۶/۸۳۷	۰/۶۰۴	زن	۵	۱/۵۹۵	۶	من در دنیا پادشاهان و تنبیه‌هایی که سزاوار آن هستم را به دست می‌آورم.	مرد	۴/۵۳	۱/۸۱۱	-۰/۲۴۸	۱۵۳۱/۶۰۶	۰/۸۰۴	زن	۴/۵۱	۱/۷۱۱	۷	من به اندازه‌ی تلاشی که می‌کنم مورد توجه قرار می‌گیرم و پادشاه دریافت می‌کنم.	مرد	۴/۵۱	۱/۸۸۳	۰/۴۵۷	۱۵۷۵	۰/۶۴۸	زن	۴/۴	۱/۸۱۱	۸	وقتی که در دنیا بدشانسی می‌آورم خودم مستوجب آن هستم.	مرد	۴/۰۳	۱/۹۰۷	۱/۸۹۲	۱۵۷۵	۰/۰۷۳	زن	۳/۸۶	۱/۹۳۳	۹	کل پرسش‌نامه	مرد	۴/۲۷	۱/۲۰۵	۱/۱۶۱	۱۵۷۵	۰/۲۴۶	زن	۴/۲۰۳	۱/۴۲۶						
۳	دیگران در زندگی با من منصفانه رفتار می‌کنند.	مرد	۳/۴۸	۱/۶۴۰	-۰/۰۶۳	۱۵۷۵	۰/۹۴۹																																																																																			
		زن	۳/۴۹	۱/۵۹۹				۴	من در دنیا پادشاهان و تنبیه‌هایی که سزاوار آن هستم را به دست می‌آورم.	مرد	۴/۳۷	۱/۷۴۳	۱/۱۳۰	۱۵۷۵	۰/۲۵۹	زن	۴/۲۷	۱/۷۲۸	۵	من در دنیا در خورشان خویش از دیگران احترام به دست می‌آورم.	مرد	۵/۰۵	۱/۷۰۵	-۰/۵۱۸	۱۵۲۶/۸۳۷	۰/۶۰۴	زن	۵	۱/۵۹۵	۶	من در دنیا پادشاهان و تنبیه‌هایی که سزاوار آن هستم را به دست می‌آورم.	مرد	۴/۵۳	۱/۸۱۱	-۰/۲۴۸	۱۵۳۱/۶۰۶	۰/۸۰۴	زن	۴/۵۱	۱/۷۱۱	۷	من به اندازه‌ی تلاشی که می‌کنم مورد توجه قرار می‌گیرم و پادشاه دریافت می‌کنم.	مرد	۴/۵۱	۱/۸۸۳	۰/۴۵۷	۱۵۷۵	۰/۶۴۸	زن	۴/۴	۱/۸۱۱	۸	وقتی که در دنیا بدشانسی می‌آورم خودم مستوجب آن هستم.	مرد	۴/۰۳	۱/۹۰۷	۱/۸۹۲	۱۵۷۵	۰/۰۷۳	زن	۳/۸۶	۱/۹۳۳	۹	کل پرسش‌نامه	مرد	۴/۲۷	۱/۲۰۵	۱/۱۶۱	۱۵۷۵	۰/۲۴۶	زن	۴/۲۰۳	۱/۴۲۶																	
۴	من در دنیا پادشاهان و تنبیه‌هایی که سزاوار آن هستم را به دست می‌آورم.	مرد	۴/۳۷	۱/۷۴۳	۱/۱۳۰	۱۵۷۵	۰/۲۵۹																																																																																			
		زن	۴/۲۷	۱/۷۲۸				۵	من در دنیا در خورشان خویش از دیگران احترام به دست می‌آورم.	مرد	۵/۰۵	۱/۷۰۵	-۰/۵۱۸	۱۵۲۶/۸۳۷	۰/۶۰۴	زن	۵	۱/۵۹۵	۶	من در دنیا پادشاهان و تنبیه‌هایی که سزاوار آن هستم را به دست می‌آورم.	مرد	۴/۵۳	۱/۸۱۱	-۰/۲۴۸	۱۵۳۱/۶۰۶	۰/۸۰۴	زن	۴/۵۱	۱/۷۱۱	۷	من به اندازه‌ی تلاشی که می‌کنم مورد توجه قرار می‌گیرم و پادشاه دریافت می‌کنم.	مرد	۴/۵۱	۱/۸۸۳	۰/۴۵۷	۱۵۷۵	۰/۶۴۸	زن	۴/۴	۱/۸۱۱	۸	وقتی که در دنیا بدشانسی می‌آورم خودم مستوجب آن هستم.	مرد	۴/۰۳	۱/۹۰۷	۱/۸۹۲	۱۵۷۵	۰/۰۷۳	زن	۳/۸۶	۱/۹۳۳	۹	کل پرسش‌نامه	مرد	۴/۲۷	۱/۲۰۵	۱/۱۶۱	۱۵۷۵	۰/۲۴۶	زن	۴/۲۰۳	۱/۴۲۶																												
۵	من در دنیا در خورشان خویش از دیگران احترام به دست می‌آورم.	مرد	۵/۰۵	۱/۷۰۵	-۰/۵۱۸	۱۵۲۶/۸۳۷	۰/۶۰۴																																																																																			
		زن	۵	۱/۵۹۵				۶	من در دنیا پادشاهان و تنبیه‌هایی که سزاوار آن هستم را به دست می‌آورم.	مرد	۴/۵۳	۱/۸۱۱	-۰/۲۴۸	۱۵۳۱/۶۰۶	۰/۸۰۴	زن	۴/۵۱	۱/۷۱۱	۷	من به اندازه‌ی تلاشی که می‌کنم مورد توجه قرار می‌گیرم و پادشاه دریافت می‌کنم.	مرد	۴/۵۱	۱/۸۸۳	۰/۴۵۷	۱۵۷۵	۰/۶۴۸	زن	۴/۴	۱/۸۱۱	۸	وقتی که در دنیا بدشانسی می‌آورم خودم مستوجب آن هستم.	مرد	۴/۰۳	۱/۹۰۷	۱/۸۹۲	۱۵۷۵	۰/۰۷۳	زن	۳/۸۶	۱/۹۳۳	۹	کل پرسش‌نامه	مرد	۴/۲۷	۱/۲۰۵	۱/۱۶۱	۱۵۷۵	۰/۲۴۶	زن	۴/۲۰۳	۱/۴۲۶																																							
۶	من در دنیا پادشاهان و تنبیه‌هایی که سزاوار آن هستم را به دست می‌آورم.	مرد	۴/۵۳	۱/۸۱۱	-۰/۲۴۸	۱۵۳۱/۶۰۶	۰/۸۰۴																																																																																			
		زن	۴/۵۱	۱/۷۱۱				۷	من به اندازه‌ی تلاشی که می‌کنم مورد توجه قرار می‌گیرم و پادشاه دریافت می‌کنم.	مرد	۴/۵۱	۱/۸۸۳	۰/۴۵۷	۱۵۷۵	۰/۶۴۸	زن	۴/۴	۱/۸۱۱	۸	وقتی که در دنیا بدشانسی می‌آورم خودم مستوجب آن هستم.	مرد	۴/۰۳	۱/۹۰۷	۱/۸۹۲	۱۵۷۵	۰/۰۷۳	زن	۳/۸۶	۱/۹۳۳	۹	کل پرسش‌نامه	مرد	۴/۲۷	۱/۲۰۵	۱/۱۶۱	۱۵۷۵	۰/۲۴۶	زن	۴/۲۰۳	۱/۴۲۶																																																		
۷	من به اندازه‌ی تلاشی که می‌کنم مورد توجه قرار می‌گیرم و پادشاه دریافت می‌کنم.	مرد	۴/۵۱	۱/۸۸۳	۰/۴۵۷	۱۵۷۵	۰/۶۴۸																																																																																			
		زن	۴/۴	۱/۸۱۱				۸	وقتی که در دنیا بدشانسی می‌آورم خودم مستوجب آن هستم.	مرد	۴/۰۳	۱/۹۰۷	۱/۸۹۲	۱۵۷۵	۰/۰۷۳	زن	۳/۸۶	۱/۹۳۳	۹	کل پرسش‌نامه	مرد	۴/۲۷	۱/۲۰۵	۱/۱۶۱	۱۵۷۵	۰/۲۴۶	زن	۴/۲۰۳	۱/۴۲۶																																																													
۸	وقتی که در دنیا بدشانسی می‌آورم خودم مستوجب آن هستم.	مرد	۴/۰۳	۱/۹۰۷	۱/۸۹۲	۱۵۷۵	۰/۰۷۳																																																																																			
		زن	۳/۸۶	۱/۹۳۳				۹	کل پرسش‌نامه	مرد	۴/۲۷	۱/۲۰۵	۱/۱۶۱	۱۵۷۵	۰/۲۴۶	زن	۴/۲۰۳	۱/۴۲۶																																																																								
۹	کل پرسش‌نامه	مرد	۴/۲۷	۱/۲۰۵	۱/۱۶۱	۱۵۷۵	۰/۲۴۶																																																																																			
		زن	۴/۲۰۳	۱/۴۲۶																																																																																						

مطابق جدول شماره‌ی ۶، زنان و مردان در باور به دنیای عادلانه برای خود در هیچ یک از موارد (وضعیتی که من در دنیا دارم، کاملاً منصفانه است، من آن چیزی را از دنیا به دست می‌آورم که شایستگی آن را دارم، دیگران در زندگی با من منصفانه رفتار می‌کنند، من در دنیا پادشاهان و تنبیه‌هایی که سزاوار آن هستم را به دست می‌آورم، من در دنیا در خورشان خویش از

دیگران احترام به دست می‌آورم، من در دنیا چیزی را که سزاوار داشتن آن هستم را به دست می‌آورم، من به اندازه‌ی تلاشی که می‌کنم مورد توجه قرار می‌گیرم و پاداش دریافت می‌کنم، وقتی که در دنیا بدشانسی می‌آورم، خودم مستوجب آن هستم و در کل پرسش‌نامه باور به دنیای عادلانه برای خود) تمایزات شناختی معناداری ($P < 0/05$) با یکدیگر ندارند.

۹) بحث و تحلیل نظری یافته‌ها

شناخت‌های معطوف به عدالت در بین انسان‌ها به اشکال مختلف نحوی و واکنش آنها را نسبت به رخدادها و حوادث دنیای اطراف از خود متأثر می‌سازد. باور به دنیای عادلانه از زمره مفروضات اساسی شناختی افراد است که به اشکال مختلف نحوی رفتار و برنامه‌ریزی برای آینده را از خود متأثر می‌سازد. همچنین این گونه باورها با شاخص‌های سلامت روانی نظیر عاطفه‌ی مثبت و منفی، افسردگی، جسمانی‌سازی و رضایت از زندگی ارتباط دارد (گل‌پرور و همکاران ۱۳۸۶: ۶۲؛ گل‌پرور و جوادی ۱۳۸۵: ۱۰۹). جنسیت به دلیل امکان فراهم‌سازی تجارب مختلف برای افراد، از زمره عواملی معرفی شده که می‌تواند شناخت‌های معطوف به عدالت و به ویژه باور به دنیای عادلانه را از خود متأثر سازد (گل‌پرور و اکبری ۱۳۸۸: ۱۱۹). البته نتایج تحقیقات در باب تمایزات شناختی جنسیتی، نتایج یکدستی به بار نیاورده‌اند. دسته‌ای از تحقیقات حاکی است که بین زنان و مردان در ادراک عدالت چه در باب جنبه‌های خاص عدالت و چه در حالت کلی تفاوت وجود دارد ولی دسته‌ای

دیگر از پژوهش‌ها حاکی است که بین زنان و مردان در باور به عدالت و باور به دنیای عادلانه تفاوت وجود ندارد (گل‌پرور و عریضی ۱۳۸۷: ۱۳۱).

بنابر یافته‌های این تحقیق شناخت‌های معطوف به منصفانه بودن وضعیت افراد دیگر در دنیا و رفتارهای منصفانه‌ی مردم با یکدیگر در سطح پایین‌تر از متوسط است ولی در حوزه‌های سزاواری مردم در دریافت پاداش‌ها و تنبیه‌ها، دریافت احترام و توجه در خور شأن توسط مردم دیگر و پاداش متناسب با تلاش، باورها در سطح بالاتر از متوسط هستند. بالاخره در شایستگی برای آنچه افراد دیگر به دست می‌آورند، دستیابی دیگران به چیزهایی که سزاوار هستند و مستوجب بودن برای بدشانسی‌ها، شناخت‌ها در حد متوسط بود. بالاخره در کل پرسش‌نامه باور به دنیای عادلانه برای دیگران باورها پایین‌تر از حد متوسط (علی‌رغم اینکه به حد متوسط یعنی ۳/۸۵۹ که به ۴ میانگین مقیاس نزدیک بود) بود. این یافته در مجموع حاکی است که باور به دنیای عادلانه برای دیگران در جامعه‌ی مطالعه شده پایین‌تر از حد متوسط است. یعنی گروه شرکت‌کننده در پژوهش بر این باورند که شرایط دنیا برای دیگران چندان هم عادلانه نیست ولی توجه به سؤالات گویای آن است که در عدالت مبتنی بر انصاف (سؤالات اول و سوم) از نظر گروه نمونه، دنیا چندان برای افراد دیگر (به جز خود افراد) عادلانه نیست. ولی در حوزه‌های عدالت مبتنی بر شایستگی (سؤالات دوم، چهارم، پنجم، ششم، هفتم و هشتم) باور به دنیای عادلانه برای دیگران در حد متوسط و بالاتر از حد متوسط بوده است. به نظر می‌رسد باور به دنیای عادلانه مبتنی بر انصاف

نیروی لازم را داشته که توانسته میانگین باور به دنیای عادلانه‌ی کلی برای دیگران را به پایین‌تر از حد متوسط کاهش دهد. به هر حال یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد باور به دنیای عادلانه برای دیگران در ایران سازه‌ای حداقل دویبعدی است که یک بعد آن عدالت مبتنی بر انصاف و بعد دیگر آن عدالت مبتنی بر شایستگی است. البته این امر به تحقیقات دیگری در سایر نقاط کشور نیاز دارد. در عین حال این یافته به یافته‌های خارج از کشور که در مجموع یک سازه در باب باور به دنیای عادلانه برای دیگران مطرح (Sutton & Douglas 2005: 547) کرده‌اند، تا اندازه‌ای شباهت دارد. در باور به دنیای عادلانه برای خود در حوزه‌ی عدالت مبتنی بر انصاف (سؤالات اول و سوم) میانگین‌ها پایین‌تر از حد متوسط بود ولی در حوزه‌ی عدالت مبتنی بر شایستگی (سؤالات دوم، چهارم، پنجم، ششم، هفتم و هشتم) به جز سؤال هشتم (مستوجب بودن فرد برای بدشانسی‌ها) همه‌ی موارد بالاتر از حد متوسط بود. با این حال میانگین کل پرسش‌نامه باور به دنیای عادلانه برای خود (۴/۲۳) به‌طور معناداری بالاتر از حد متوسط مقیاس (یعنی عدد ۴) بود. در مجموع افراد بر این باور بوده‌اند که دنیا برای آنها عادلانه است. جالب توجه اینکه یافته‌های این پژوهش نشان از آن دارد که افراد شرکت‌کننده در پژوهش به جای اینکه شرایط دنیا را برای خود ناعادلانه تلقی کنند، برای دیگران ناعادلانه تلقی کرده‌اند. البته این امر با احتمال بیشتری به دلیل باور نیرومندتر زنان شرکت‌کننده در پژوهش نسبت به مردان درباره‌ی عادلانه بودن شرایط دنیا برای دیگران (جدول شماره‌ی ۵) مربوط بوده است.

نتایج بررسی تمایزات شناختی بین زنان و مردان در باور به دنیای عادلانه برای دیگران حاکی از آن بود که فقط در دستیابی افراد دیگر به آنچه شایستگی‌اش را دارند (سؤال دوم)، دریافت احترام در خور شأن (سؤال پنجم)، سزاواری افراد در آنچه از دنیا به دست می‌آورند و در کل پرسش‌نامه باور به دنیای عادلانه برای دیگران بین زنان و مردان تمایز وجود دارد. در تمامی موارد فوق‌الذکر زنان نسبت به مردان میانگین پایین‌تری دارند. این وضعیت تا اندازه‌ای با دیدگاه‌های محققانی چون بروکسر و آدسیت (۱۹۸۶)، کالیک و همکاران (۱۹۹۶) و لونتال و لین (۱۹۷۰) همسویی نشان می‌دهد (Brockner&Adsit 1986: 585; Kulik&etal 1996:351; Leventhal&Lane 1970: 312).

بر اساس دیدگاه‌های محققان یاد شده، زنان در باب عدالت به رفاه و شرایط دیگران بیش از مردان توجه نشان می‌دهند. در واقع این احتمال مطرح است که مردان در داوریه‌های عدالت بنیاد به مسائل مربوط به خود بیش از زنان توجه نشان دهند. در عین حال شواهد مربوط به باور به دنیای عادلانه برای خود نشان از آن داشت (جدول شماره ۷) که بین زنان و مردان چه در سطح کل پرسش‌نامه و چه در سطح سؤالات تفاوت معناداری وجود ندارد. این یافته با یافته‌های گزارش شده توسط محققانی چون فرنهام (۲۰۰۳)، اوکونور و همکاران (۱۹۹۶) و دروم و استاورز (۱۹۹۸) مبنی بر اینکه در باور به دنیای عادلانه زنان و مردان تفاوت وجود ندارد همسویی نشان می‌دهد (Furnham 2003: 795; Oconner& etal 1996: 667; Drum & Stowers 1998: 328).

ولی با تحقیقات محققانی چون آمبروزیو و شیهان (۱۹۹۰)، واتلی (۱۹۹۳)،

کاپیوتی (۱۹۹۴)، هیون و کونورز (۱۹۸۸)، هیلند و دانن (۱۹۸۷) مبنی بر اینکه در باور به دنیای عادلانه‌ی زنان و مردان تفاوت وجود دارد همسویی نشان نمی‌دهد (Ambrosio & Sheehan 1990: 413; Whatley 1993: 547; Caputi 1994: 475; Heaven & Connors 1988:261; Hyland & Dann 1987: 73). به نظر می‌رسد که شرایط کنونی باورهای مردان و زنان نسبت به گذشته نسبت به عدالت بسیار به هم نزدیک شده باشد. بنابراین با توجه به فراتحلیل‌های صورت گرفته (Drum & Stowers 1998:328) می‌توان نتیجه گرفت که متغیر جنسیت از زمره عواملی است که در شرایط دنیای کنونی بر باور به دنیای عادلانه برای خود تأثیری نمی‌گذارد، ولی می‌تواند باور به دنیای عادلانه برای دیگران را از خود متأثر سازد. در عین حال متفاوت نبودن در باور به دنیای عادلانه برای خود در بین زنان و مردان نسبت به موارد معنادار در باور به دنیای عادلانه برای دیگران گویای آن است که زنان در گستره‌ی داوری‌های عدالت بنیاد خود علاوه بر خودشان نسبت به وضعیت دیگران نسبت به مردان توجه بیشتری نشان می‌دهند. این امر می‌تواند از ماهیت مراقبتی و توجه زنان و در عین حال گرایش‌ات عاطفی بیشتر آنها نشئت گرفته باشد.

نتیجه‌گیری

مسئله و هدف اصلی در این پژوهش بررسی تمایزات در باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران در میان زنان و مردان بود. روش پژوهشی که برای پاسخ‌گویی به مسئله‌ی پژوهش در پیش گرفته شد، روش پژوهش

پیمایشی در عرصه‌ی سنجش نظرات و باورها درباره‌ی دنیای عادلانه و روش علیّ - مقایسه‌ای (پس رویدادی) در عرصه‌ی مقایسه باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران در میان زنان و مردان بود. مهم‌ترین یافته‌های حاصل از پژوهش بر اساس نتایج ارائه شده این بود که کل اعضای نمونه (بدون تفکیک جنسیت) در حوزه‌هایی از باور به دنیای عادلانه برای دیگران نظیر برخورد منصفانه‌ی انسان‌ها در دنیا با یکدیگر و کسب موقعیت منصفانه‌ی و شایسته در دنیا، سطح باورها کمتر از حد متوسط (به سمت بی‌عدالتی) و در حوزه‌هایی از باور به دنیای عادلانه برای خود نظیر دستیابی به موقعیت شایسته و منصفانه توسط پاسخ‌گویان و برخوردهای شایسته و منصفانه‌ی دیگران با فرد پاسخ‌گو و مواردی از این قبیل، سطح باورها بالاتر از حد متوسط (به سمت رعایت عدالت) است. یکی دیگر از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش این بود که زنان در باور به دنیای عادلانه برای خود با مردان متفاوت نیستند، ولی در باور به دنیای عادلانه برای دیگران میانگین زنان پایین‌تر از مردان است. بدین معنی که زنان شرایط دنیا را به جای خودشان، برای دیگران نا عادلانه ارزیابی کردند. پیشنهاد می‌شود باورهای معطوف به عدالت در مورد دیگران، که در زنان نیرومندتر از مردان است، به اشکال مختلف علاوه بر اطلاع‌رسانی، تقویت شود. این امر می‌تواند خیرخواهی و نوع دوستی را به تدریج در سطح جامعه نهادینه کند و بدین وسیله بنیان‌های سرمایه‌ی اجتماعی که برای بقای یک جامعه‌ی سالم امری ضروری است را تقویت کند. در مجموع لازم است تا تمایزات شناختی جنسیتی در باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران در

دیگر نقاط کشور نیز بررسی شود تا بدین وسیله راه برای نتیجه‌گیری‌های تعمیم یافته در داخل کشور و انجام مقایسه‌های بین فرهنگی در باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران باز شود.

منابع

- ◀ فیتز پاتریک، تونی ۱۳۸۱. *نظریه رفاه: سیاست اجتماعی چیست؟*، ترجمه‌ی هرمز همایون‌پور، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی و گام نو.
- ◀ گل‌پرور، محسن و حمیدرضا عربی. «اعتباریابی پرسش‌نامه‌های باورهای دنیا عادلانه»، *پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، ۲۵ (۱۳۸۶).
- ◀ ——— «مقایسه باورهای دنیای عادلانه برای خود و دیگران بر مبنای متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل، تحصیلات، شغل و وضعیت مسکن»، *پژوهشنامه تربیتی*، ۱۶ (۱۳۸۷).
- ◀ گل‌پرور، محسن و سارا جوادی. «الگوی ارتباطی بین باورهای دنیای عادلانه برای خود و دیگران با شاخص‌های بهداشت روانی»، *اصول بهداشت روانی* (۱۳۸۵).
- ◀ گل‌پرور، محسن و محمد اکبری. «باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه: نگاهی بر تفاوت‌های دیدگاهی برحسب متغیرهای جمعیت‌شناختی. روانشناسی و دین»، ۲(۴)، (۱۳۸۸).
- ◀ گل‌پرور، محسن، منوچهر کامکار و سارا جوادی. «رابطه باورهای دنیای عادلانه برای خود و دیگران با سلامت عمومی، رضایت از زندگی، عاطفه مثبت و منفی و افکار خودکار»، *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، ۳۱ (۱۳۸۶).
- ▶ Ambrosio, A., & Sheehan, D. "Factor analysis of the just world scale", *Journal of Social Psychology*, 130 (1990).
- ▶ Begue, L. "Belief in justice and faith in people: just world, religiosity and interpersonal trust", *Personality and Individual Differences*, 32 (2002).

- Begue, L., & M. Bastounis. "Two spheres of belief in justice: Extensive support for the bidimensional model of belief in a just world", *Journal of Personality*, 71 (2003).
- Brockner, J., & L. Adsit. "The moderating impact of sex on the equity - satisfaction relationship: A field study", *Journal of Applied Psychology*, 71 (1986).
- Callan, M.J., N. Will shead, & J.M. Olson. "Foregoing the labor for the fruits: The effect of just world treat on the desire for immediate monetary rewards", *Journal of Experimental Social Psychology*, 45 (2009).
- Caputi, P. "Factor structure of the just world scale among Australian undergraduates", *The Journal of Social Psychology*, 134 (1994).
- Christopher, A.N., K.L. Zabel, , J.R. Jones, P.Marek. "Protestant ethic ideology: Its multifaceted relationships with just world belief, social dominance orientation, and right wing authoritarianism", *Personality and Individual Differences*, 45 (2008).
- Couch, J. "Another psychometric evaluation of the just world scale", *Psychological Reports*, 82 (1998).
- Dalbert, C 1998. *Belief in a just world, well - being, and coping with an unjust fate*, In L.Montada & M.J.Lerner (Eds.), Responses to victimizations and belief in a just world, New York, Plenum.
- Drum, M., & D. Stowers. "Just world beliefs and irrational beliefs: a sex difference?", *Psychological Reports*, 83 (1998).
- Furnham, A. "Belief in a just world: research progress over the past decade", *Personality and Individual Differences*, 34 (2003).

- ▶ Heaven., & Connors. "Personality, gender and just world beliefs", *Australian Journal of Psychology*, 40 (1988).
- ▶ Hyland, M.E., & P.L. Dann. "Exploratory factor analysis of the just world scale using British undergraduates", *British Journal of Social Psychology*, 26 (1987).
- ▶ Jannof - Bulman, R. 1992. *Shattered assumptions: Toward a new psychology of trauma*, New York, Free Press.
- ▶ Kulik, C.T., A.E. Lind, M.L. Ambrose, & R.J. Maccoun. "Understanding gender differences in distributive and procedural justice", *Social Justice Research*, 9 (1996).
- ▶ Lerner, M.J. 1980. *The Belief in a just world: A fundamental delusion*, New York, Plenum Press.
- ▶ Leventhal, G.S., & D.W. Lane. "Sex, age, and equity behavior", *Personality & Social Psychology*, 15 (1970).
- ▶ Lipkus, I.M., C. Dalbert, & I.C. Siegler. "The importance of distinguishing the belief in a just world for self versus for others: Implications for psychological well - being", *Personality and Social Psychology Bulletin*, 22 (1996).
- ▶ Major, B., & J.B. Adams. "Role of gender, interpersonal orientation, and self - presentation in distributive justice behavior", *Journal of Personality and Social Psychology*, 45 (1983).
- ▶ McParland, J.L., C. Knussen. "Just world beliefs moderate the relationship of pain intensity and disability with psychological distress in chronic pain support group members", *Pain*, 14 (2010).

- Oconnor, W.E., T.G. Morrison, & M.A. Morrison. "The reliability and factor structure of the global belief in a just world scale", *Journal of Social Psychology*, 136 (1996).
- Oppenheimer, L. "Justice and the belief in a just world: a development perspective", *Personality and Individual Differences*, 38 (2005).
- Ritter, C., D. Benson, & C. Snyder. "Belief in a just world and depression", *Sociological Perspectives*, 33 (1990).
- Sutton, R.M., & K.M. Douglas. "Justice for all, or just for me? More evidence of the importance of the self - other distinction in just world beliefs", *Personality and Individual Differences*, 39(3) (2005).
- Whatley, M.A. "Belief in a just world scale: one - dimensional or multidimensional", *Journal of Social Psychology*, 133 (1993).

Archive of SID